علم اصول الفقه

۱۲-۸-۱۴۰۵ القسم الثانی:الحجه على النظام

۱۷

دراسات الاستاذ:

مهدي الهادوي الطهراني

• مراحل کشف عناصر دینی

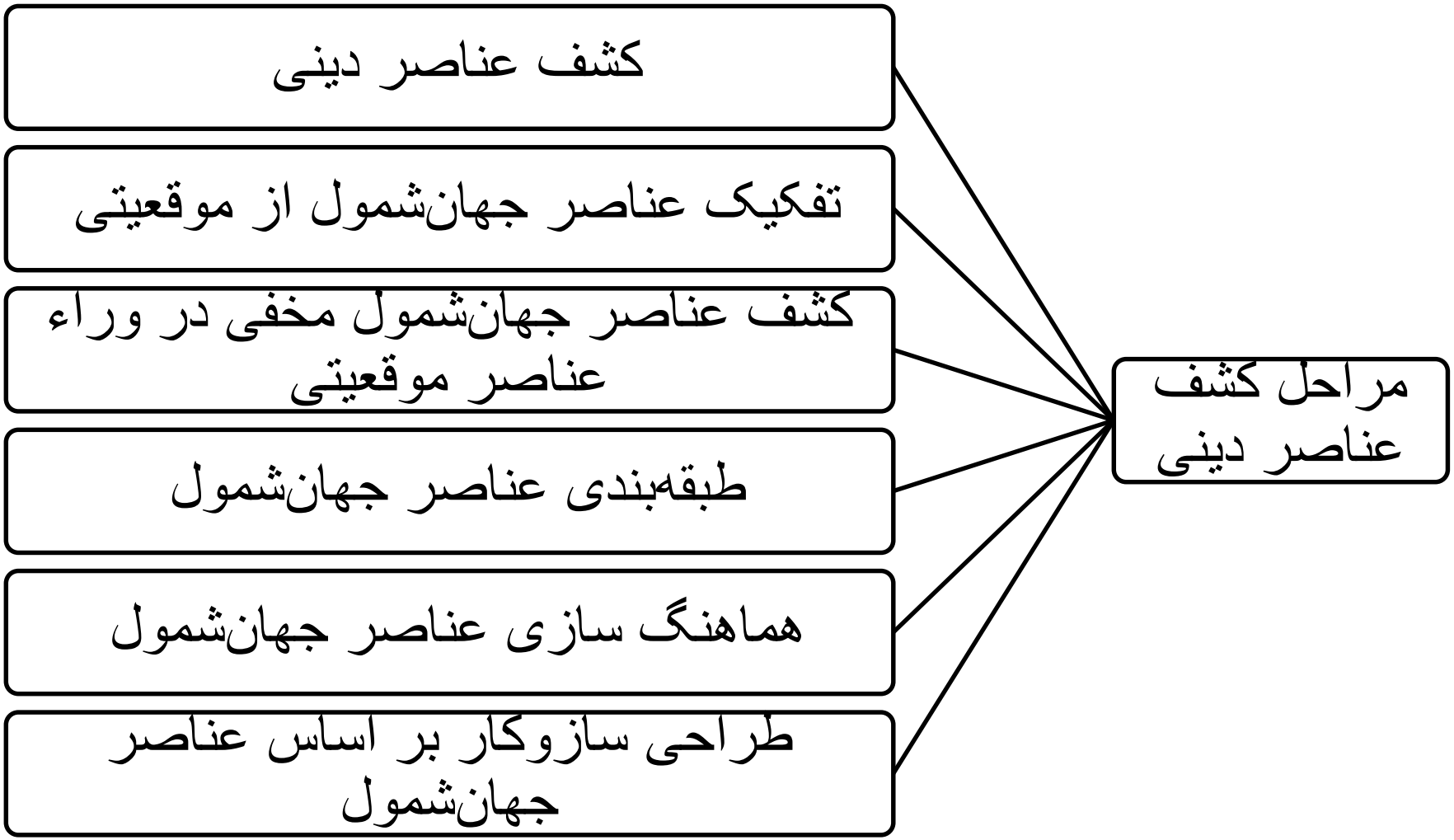

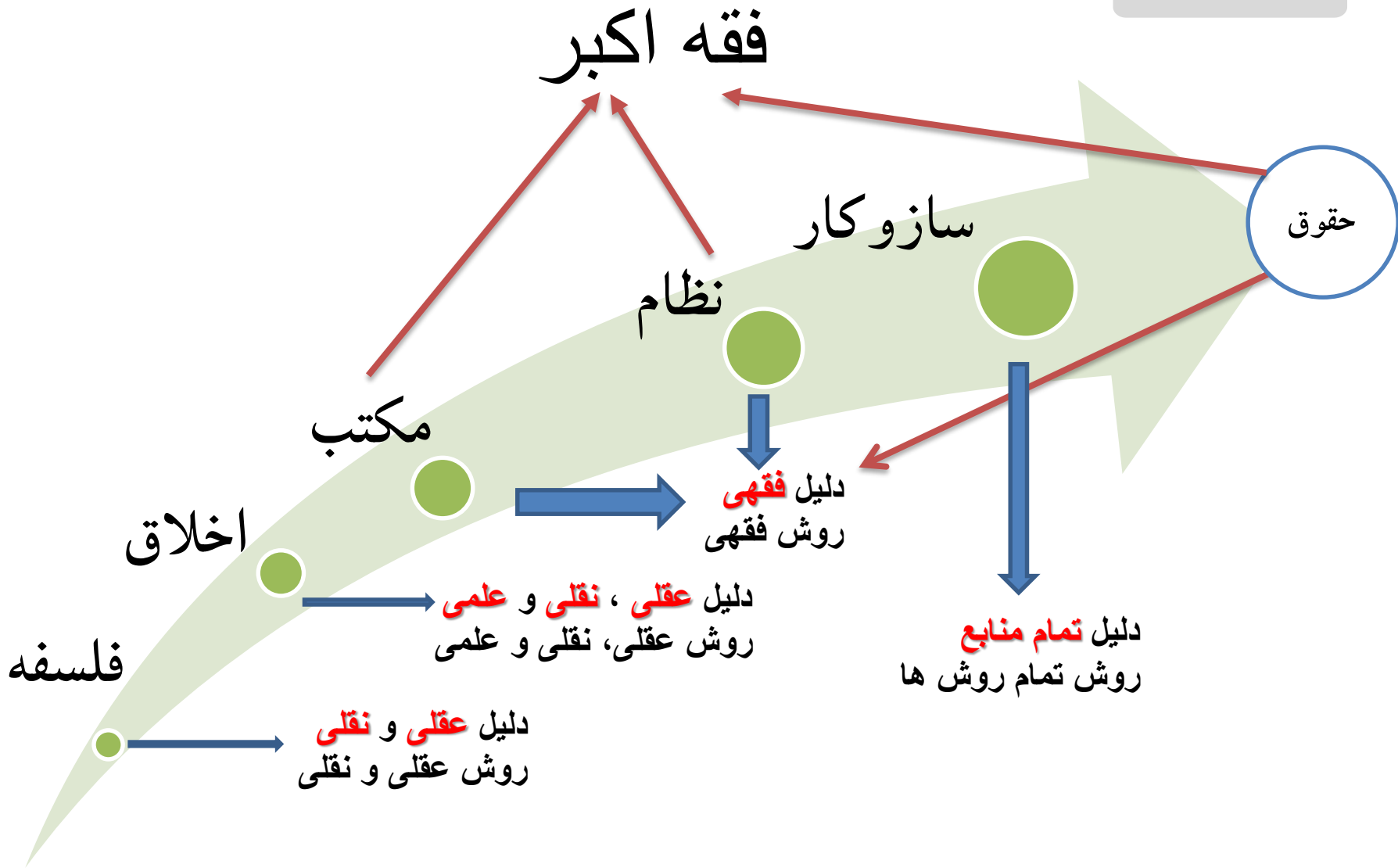

نظریه اندیشه مدون(سیستمی) در اسلام

نظریه اندیشه مدون در اسلام

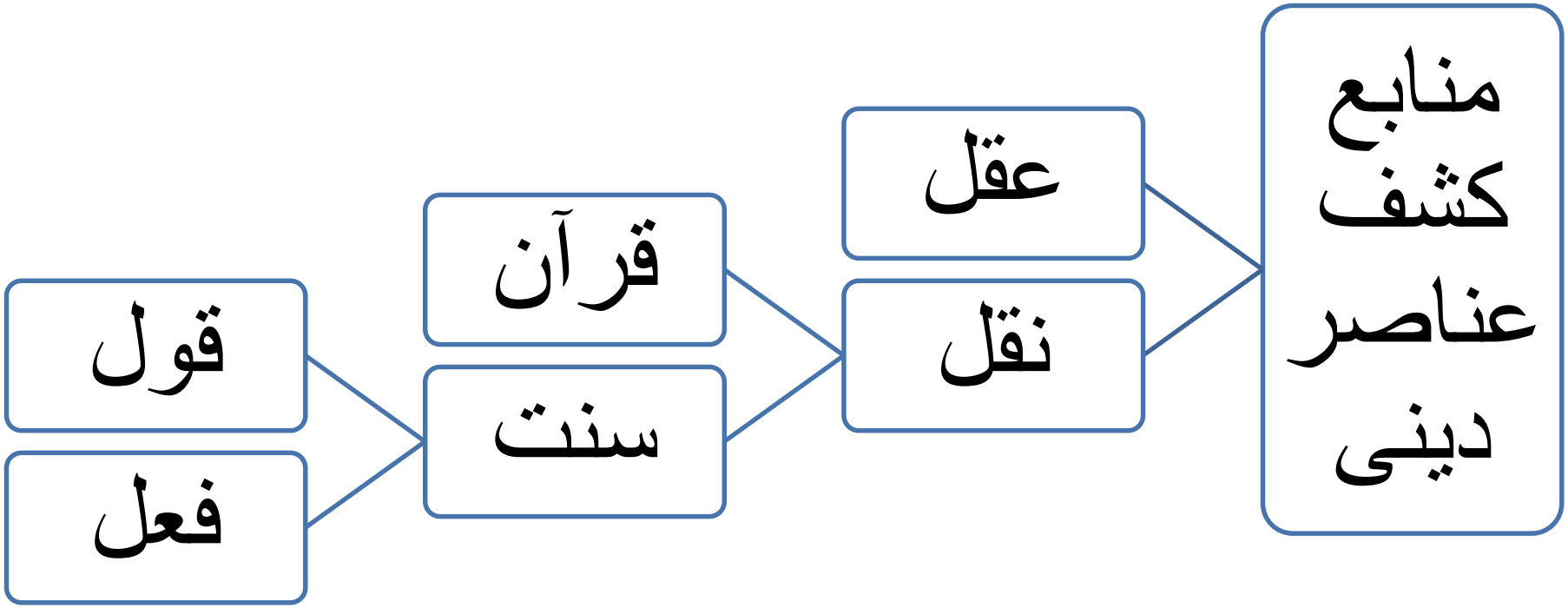

• روش کشف عناصر دینی

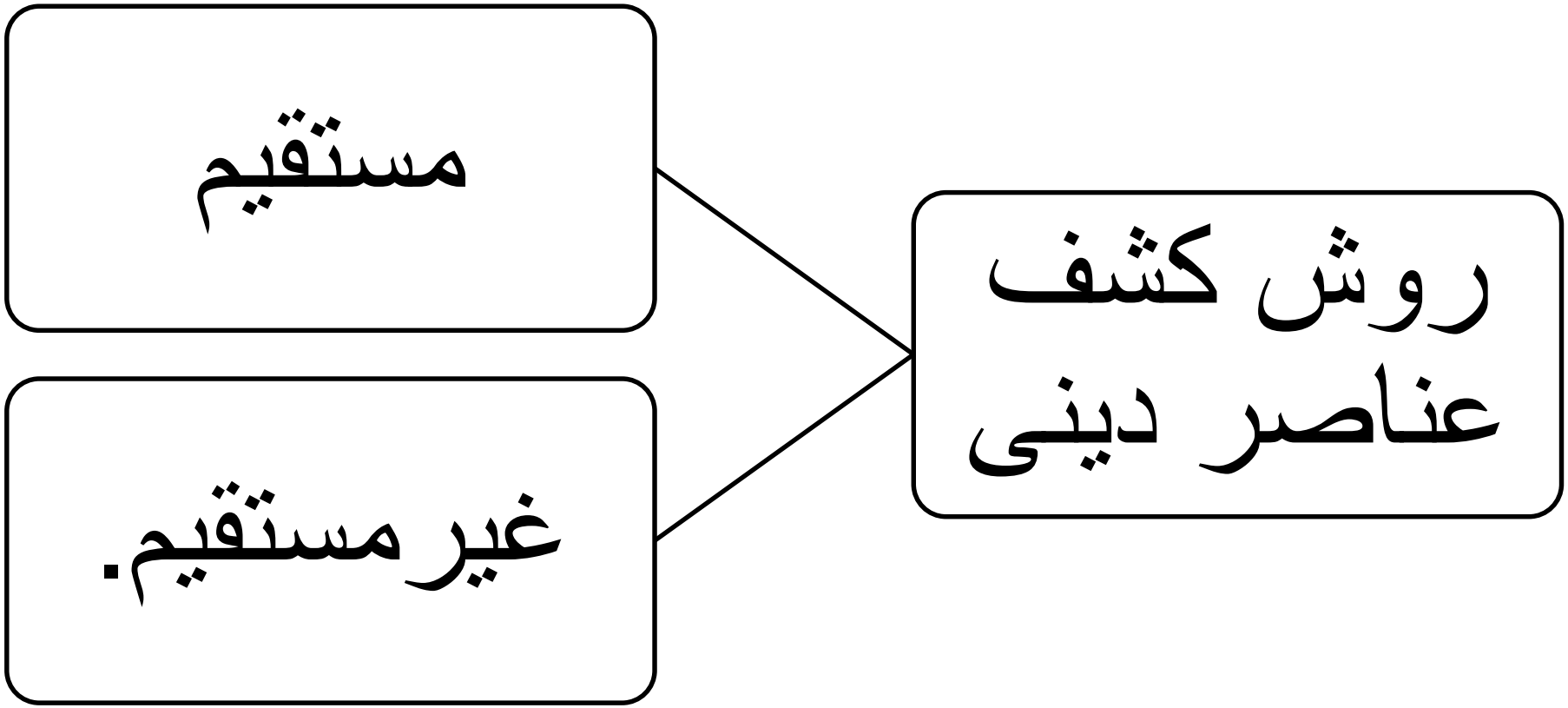

• مراحل کشف عناصر دینی

- خب ما در کشف عناصر دینی غیر از اینکه می‌توانیم مستقیماً مراجعه کنیم به قرآن و سنت، به روش‌هایی که شناخته‌شده یا مراجعه کنیم به عقل و سعی کنیم از این طریق عناصر دینی را به دست بیاوریم چه عنصر، عناصر حوزه فلسفه چه عناصر حوزه مکتب نظام یا احکام.

• مراحل کشف عناصر دینی

- یک نکته دیگری که در بحث‌های ما روی آن تأکید شد و تکرارهای گذشته یک مقداری برای این بیان بود که بگوییم بین مفاهیم دینی یک ارتباط وجود دارد.

• مراحل کشف عناصر دینی

- این‌طوری نیست که عناصری که مثلاً دین در حوزه فلسفه دارد یا در زمینه اقتصاد دارد با عناصری که در زمینه مکتب دارد یا در زمینه نظام دارد بی‌ارتباط باشند. الان اشاره کردیم که در واقع فلسفه زیرساخت مباحث مکتب، مکتب خودش زیرساخت مباحث نظام است و نظام تجلی بیرونی‌اش می‌شود ساز و کار.

• مراحل کشف عناصر دینی

- این تفاوتی که بین عناصر دینی در یک زمینه مـثلاً در اقتصاد وجود دارد، خـودش یـک راهـی اسـت بـرای کشف عناصر دینی؛ یعنی ما احیاناً مراجعه مـی‌کنیم بـه متن دین (قرآن و سنت) یا با کمـک عقـل عنصـری از عناصر فلسفه را کشف می‌کنیم.

• مراحل کشف عناصر دینی

- این عنصر از عناصر فلسفه اقتضا می‌کند عنصری را در مکتب که مثلاً اگر ما بپذیریم چنین واقعیتی به صورت یک امر واقعی به عنوان یک قضیه‌ی هست وجود دارد، باید چنین اعتباری هم داشته باشیم.

• مراحل کشف عناصر دینی

- حالا به عنوان مثلاً یک عنصری از فلسفه را به دست می‌آوریم به کمک آن عنصری از مکتب را کشف می‌کنیم یا از طریق مکتب که مثلاً ما مبانی و اهداف را به دست آوردیم برخی از عناصر نظام را کشف می‌کنیم. ما به این روش گفتیم روش غیرمستقیم.

• مراحل کشف عناصر دینی

- بنابراین روشی که ما داریم برای به دست آوردن عناصر دینی می‌توانیم ابتدائاً تقسیم کنیم به دو مورد: یک روش مستقیم یا راه مستقیم. دو روش غیرمستقیم.

• مراحل کشف عناصر دینی

- مقصودمان از راه مستقیم یا روش مستقیم این است که مستقیماً مراجعه کنیم به نصوص. مراجعه کنیم به قرآن، به سنت یا مراجعه کنیم به عقل و از طریق مراجعه به عقل یا مراجعه به نصوص، عناصر دینی را به دست بیاوریم. مقصود ما از طریق غیرمستقیم این است که از طریق ارتباطی که بین این عناصر وجود دارد آن‌ها را کشف کنیم.

• روش کشف عناصر دینی

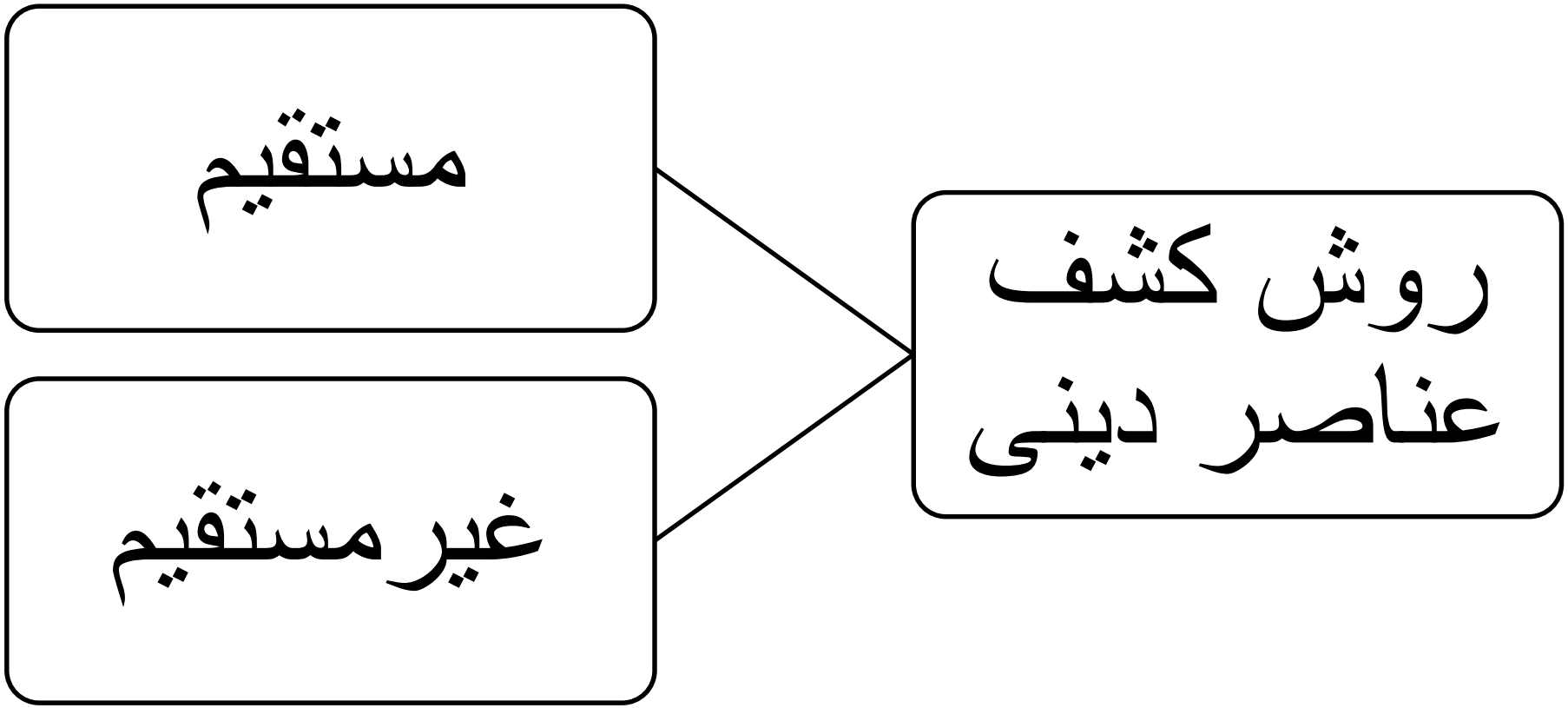

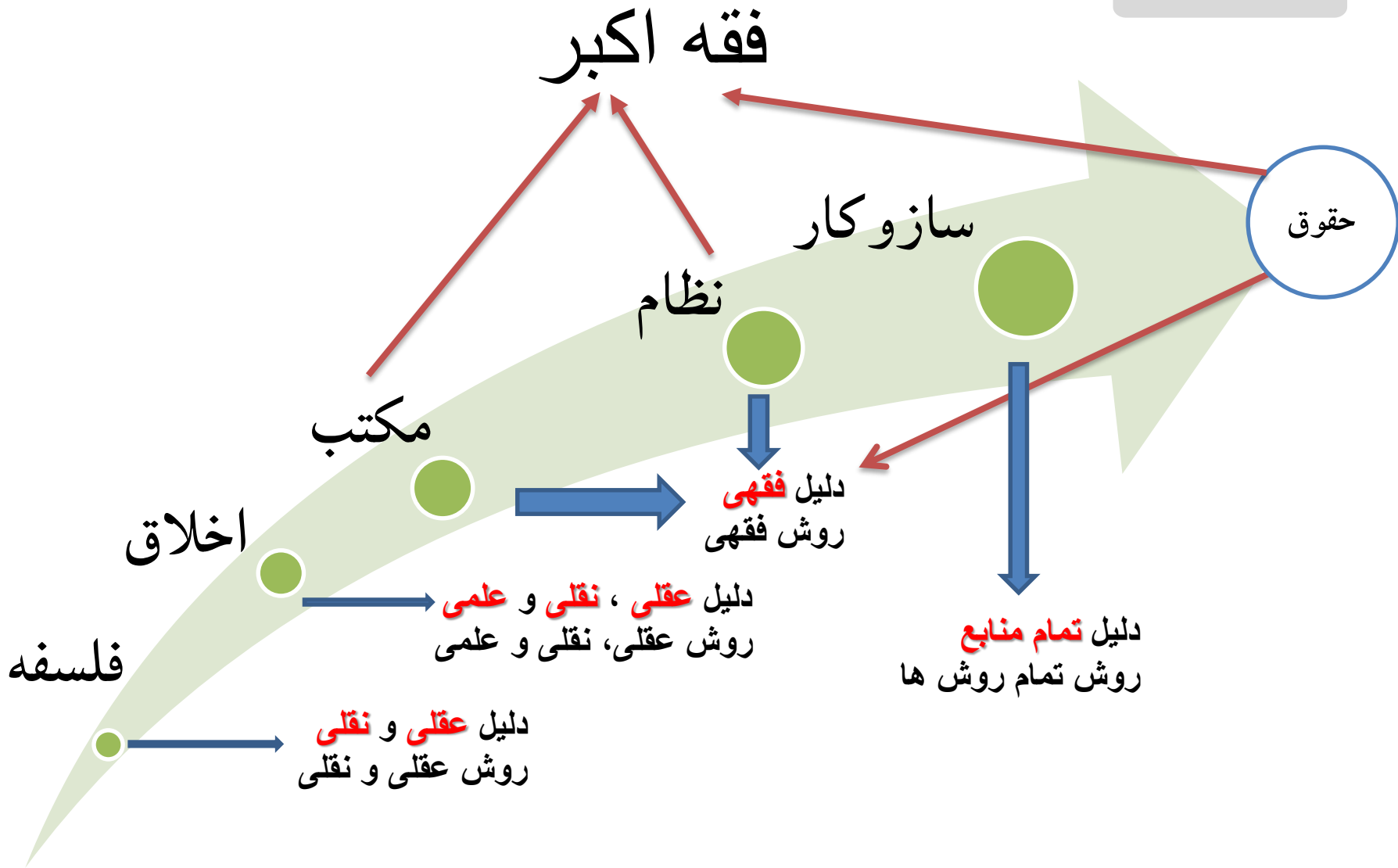

نظریه اندیشه مدون(سیستمی) در اسلام

• روش کشف عناصر دینی

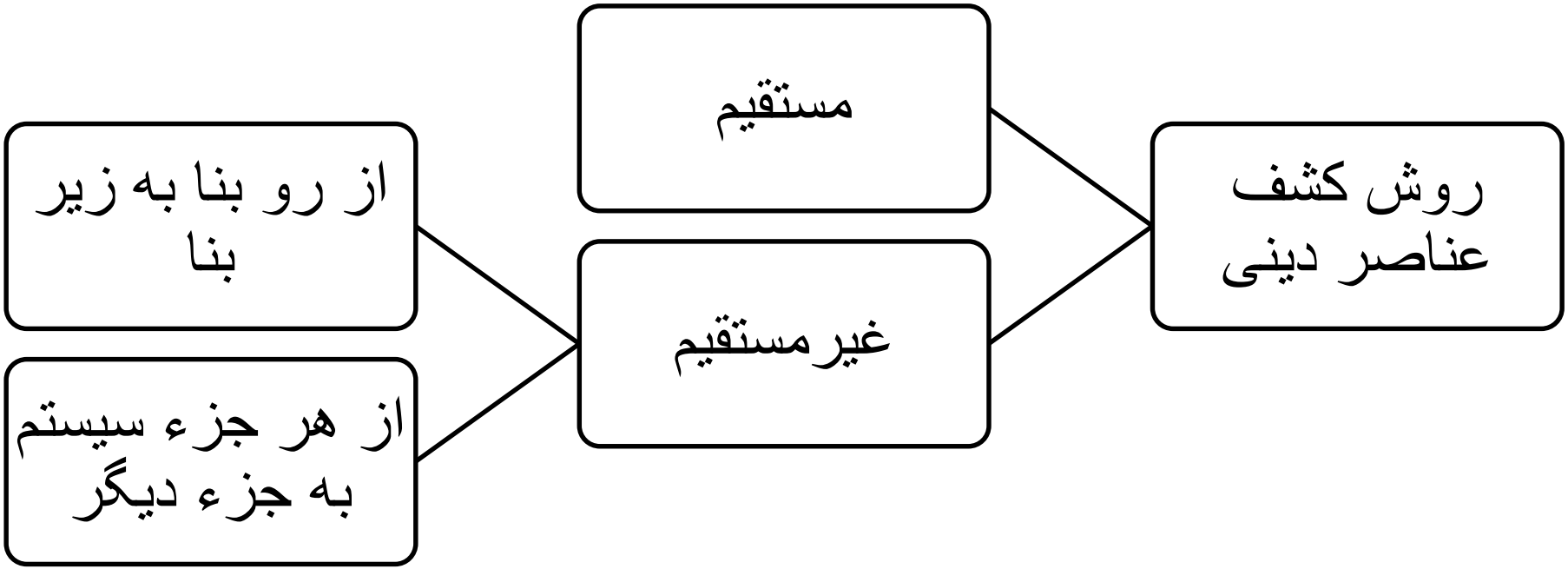

• روش کشف عناصر دینی

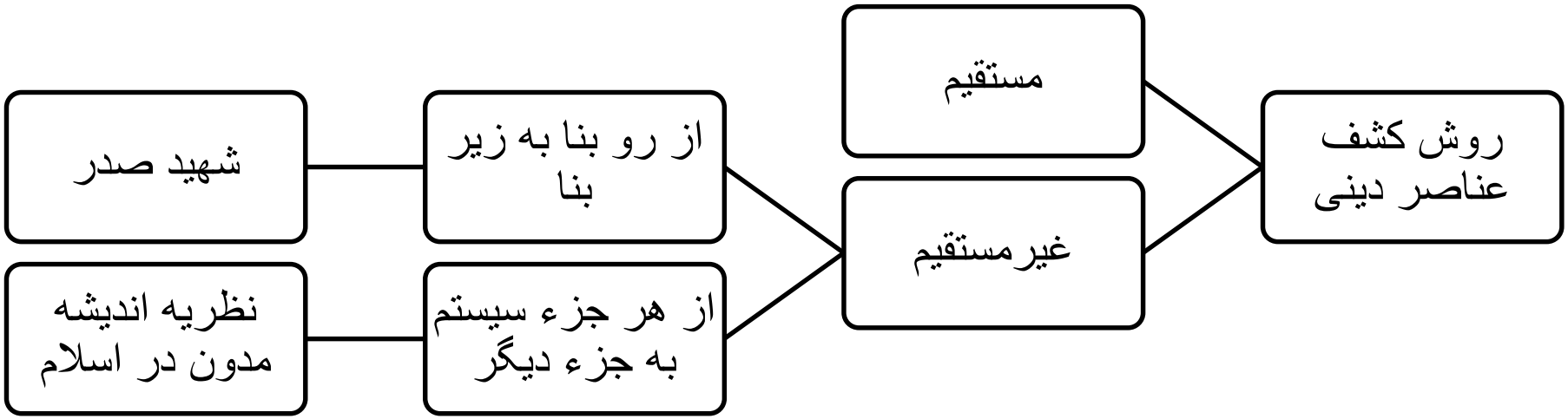

روش غیرمستقیم کشف عناصر دینی

- در کنار این راه مستقیم راه غیرمستقیم هم مطرح است. راه غیرمستقیم مبتنی است بر آن مقدماتی که گفتیم که در واقع نظام یک قسمتی است که در ارتباط با عناصر مختلف از یک طرف با مکتب ارتباط دارد از یک طرف با فلسفه ارتباط دارد که آن‌ها مبانی‌اش را تشکیل می‌دهند. از یک طرف با حقوق ثابت ارتباط دارد که نتیجه این نظام هستند.

روش غیرمستقیم کشف عناصر دینی

- بنابراین ممکن است ما از یک عنصر فلسفه مثلاً به یک عنصر نظام دست پیدا کنیم. از یک عنصر مکتب به یک عنصر نظام دست پیدا کنیم یا از طریق احکام به عناصر نظام دست پیدا کنیم.

روش غیرمستقیم کشف عناصر دینی

- البته همچنان که قبلاً گفتیم شهید صدر تنها راه را برای استخراج عناصر نظام... البته حالا ایشان که نظام را مطرح نکرده، مکتب را مطرح کرده. تنها راه را برای استخراج عناصر مکتب راه حرکت از احکام ثابت (که حالا ایشان احکام را هم ثابت و متغیر نمی‌داند) از احکام به مکتب را مطرح کرده است. ولی راه‌های متنوعی در واقع پیش روی ماست برای دستیابی به عناصر نظام یا مکتب یا فلسفه.

روش غیرمستقیم کشف عناصر دینی

- ببینید من تأکید کردم که مقصود مراجعه به نصوص دینی با بهره‌گیری از شیوه فقه سنتی است و مراجعه به عقل. این از باب منابعش. دقت کنید اینجا بحث روش نبوده. اینجا بحث منبع است. یعنی ما دو تا منبع داریم. یک منبع نقلی که نصوص دینی هستند. کتاب و سنت. یک منبع غیرنقلی که عبارت باشد از عقل.

روش غیرمستقیم کشف عناصر دینی

- بله. روشی که ما در مراجعه داریم چه در بخش نصوص دینی چه در بخش مراجعه به عقل، همان به تعبیری روش فقه سنتی است. چون ما در مباحث فقه سنتی هم شیوه مراجعه به نصوص دینی را بحث می‌کنیم هم شیوه مراجعه به عقل. هرچند که بیشتر حجم بحث‌هایی که ما می‌کنیم مربوط به شیوه مراجعه به نصوص دینی است.

روش غیرمستقیم کشف عناصر دینی

- ولی در لابه‌لای آن بحث‌ها (حالا متأخرینی که مستقل‌تر بحث کردند مثل مرحوم مظفر که به تبع مرحوم اصفهانی این بحث‌ها را جدا کردند) خب آمدند مباحث مربوط به عقل را جدا کردند از مباحث دیگر علم و اصول.

روش غیرمستقیم کشف عناصر دینی

- ولی گذشتگان حتی صاحب کفایه و حتی بسیاری از کسانی که بعد از صاحب کفایه تا معاصرین درس‌های مختلف خارج داشتند و شرح کردند کفایه را همه آن‌ها آمدند مباحث مربوط به عقل را در لابه‌لای مباحث مربوط به نصوص دینی مطرح کردند.

روش غیرمستقیم کشف عناصر دینی

- چیزی که اینجا ما ذکر کردیم در واقع به عنوان منبع، یک منبع نقلی نصوص دینی هستند. یک منبع ما منبع عقلی است که البته در روش مراجعه به این‌ها به یک معنایی هر دو روش فقه سنتی است.

تفکیک عناصر جهانشمول از موقعیتی

- بعد از اینکه ما در واقع به عناصر دینی دست پیدا کردیم حالا به هر روشی این عناصر به دست آمد، یعنی ما الان فهمیدیم که اسلام فلان حکم را دارد در زمینه احکام یا فلان عنصر در دین وجود دارد.. خب ما باید بیایم عناصر جهان‌شمول را از عناصر موقعیتی جدا کنیم. یعنی ببینیم آیا این عنصری که در اسلام هست مربوط به تمام شرایط و موقعیت‌هاست یا اختصاص به بخشی از شرایط و موقعیت‌ها دارد.

تفکیک عناصر جهانشمول از موقعیتی

- با توجه به این مقدمات وقتی ما می‌رسیم به این بحث که حالا ما استخراج کردیم عناصر دینی را با این پرسش مواجه می‌شویم که آیا این عناصر، عناصر جهان‌شمول‌اند یا عناصر موقعیتی هستند.

تفکیک عناصر جهانشمول از موقعیتی

- در این بحث البته باید توجه داشته باشیم اگر یک عنصر عنصر موقعیتی بود معنایش این است که در ورای این عنصر، عناصر جهان‌شمول یا عنصر جهان‌شمولی وجود داشته که در آن شرایط خاص آن عنصر جهان‌شمول یا عناصر جهان‌شمول نتیجه‌شان این عنصر موقعیتی شده.

تفکیک عناصر جهانشمول از موقعیتی

- بنابراین اینکه حالا بعضی از معاصرین می‌گویند فلان عنصر اختصاص داشته به زمان صدر اسلام. بعد می‌گویند چون اختصاص داشته به زمان صدر اسلام پس می‌گذاریمش کنار. این‌طور نیست.

تفکیک عناصر جهانشمول از موقعیتی

- اگر حتی یک عنصری اختصاص دارد به زمان صدر اسلام حالا یا به شرایط خاصی که مثلاً در جزیره‌العرب حاکم بوده یا به شرایطی که مثلاً ائمه علیه‌السلام در آن زندگی می‌کردند، ما باید به این پرسش بعدی هم پاسخ بدهیم که چرا در آن شرایط چنین عنصری را دین آورده؟ چه عنصر جهان‌شمول یا عناصر جهان‌شمولی بوده است که با توجه به آن عنصر یا عناصر جهان‌شمول دین آمده این عنصر موقعیتی را مطرح کرده؟

اصالت جهان‌شمولی عناصر دین

- دلائل جهان‌شمولی عناصر دین
- ببینید این بحث‌ها به این شکلی که ما می‌گوییم در آثار فقهی یا اصولی مطرح نبوده ولیکن برخی از این‌ها به صورت مفاهیم مرتکز در نزد فقها وجود داشته.

اصالت جهان‌شمولی عناصر دین

مرتکز در ذهن فقها

اصل در عناصر دینی جهان‌شمولی است.

اصالت جهان‌شمولی عناصر دین

- یکی از مباحثی که به صورت مرتکز در ذهن فقها وجود داشته این است که اگر ما به یک عنصری در دین برخورد کردیم، این عنصر اصل این است که جهان‌شمول باشد.

اصالت جهان‌شمولی عناصر دین

- حالا این اصطلاح را ما به کار می‌بریم. یعنی این عنصر اصل این است که اختصاص به زمان خاصی، مکان خاصی، شرایط خاصی، مردم خاصی نداشته باشد.

اصالت جهان‌شمولی عناصر دین

- خب این اصل به این شکل که می‌بینید روند فقهی ما بر همین اساس استوار است ولی ما در فقه مراجعه می‌کنیم به قرآن یا به روایات. هر چیزی که احکام به دست می‌آریم... که البته فقه متعارف ما محدود به استنباط احکام است.

اصالت جهان‌شمولی عناصر دین

- هرچه از احکام به دست می‌آورم دیگر فقیه عادتاً دغدغه ندارد که خب این حکمی که به دست آوردم برای صدر اسلام بوده، برای زمان مثلاً علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام بوده، برای زمان امام صادق بوده یا نه برای زمان ما هم هست. اصلاً چنین سؤالی عادتاً مطرح نمی‌شود. فرض این است که اگر این حکم در آن زمان بوده الان هم هست. اگر در آن شرایط بوده الان هم هست.

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

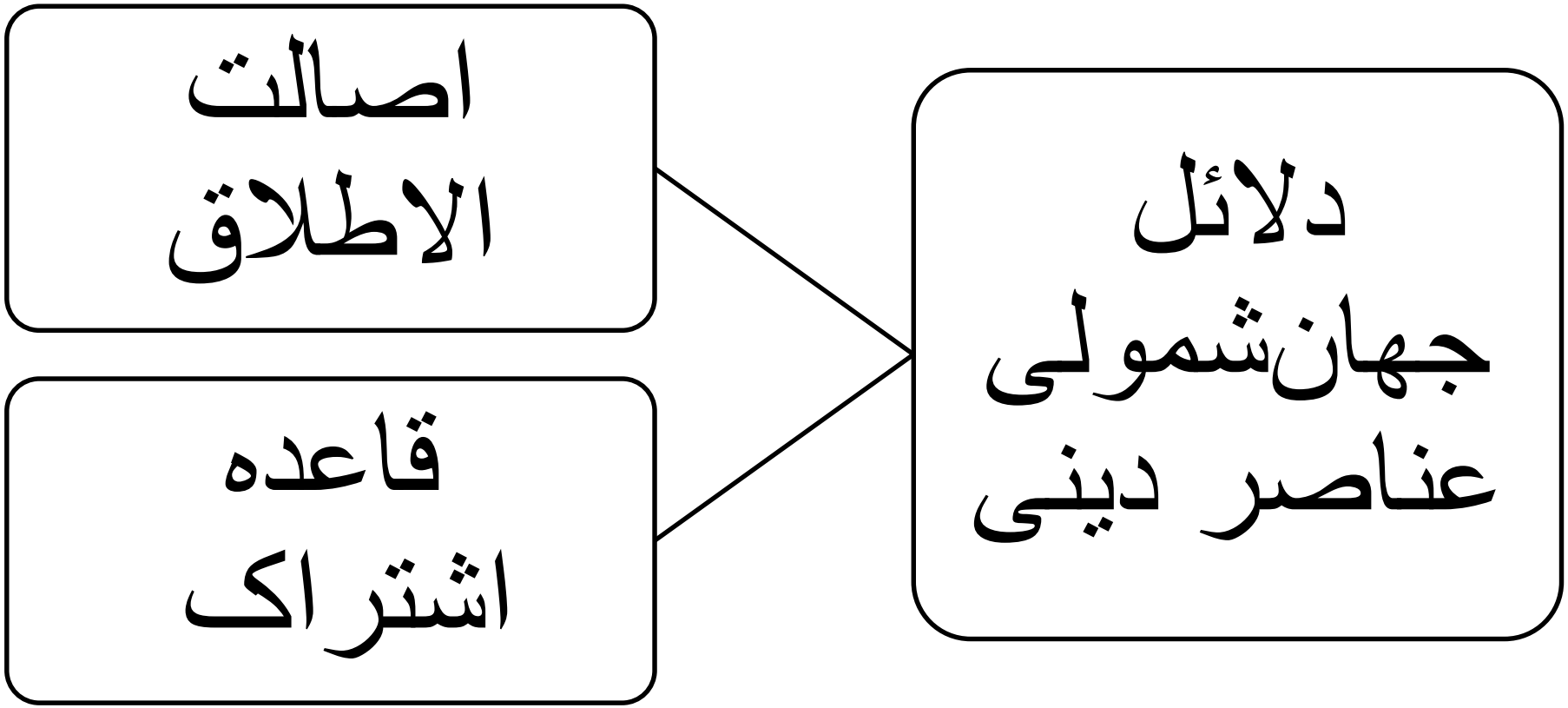

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- **دلیل فقهای ما** بر این مسئله یک بحثی بوده که در علم اصول مطرح کردند و آن مطالبی که در علم اصول مطرح کردند دو چیز است: یک بحث **اصالت الاطلاق**. گفتند اطلاق ادله اقتضا می‌کند که این‌ها اختصاص به زمان خاصی مکان خاصی شرایط خاصی نداشته باشند. دوم بحث **قاعده اشتراک** که خب این هم در ادبیات فقهی متعارف ما شناخته شده است که ما یک قاعده‌ای داریم که گذشتگان با امروز با هم مشترکند در احکام و تفاوتی در احکام ندارند.